



پَرِ سبزِ کوچک

• آمنه صادقی
• تصویرگر: ویدا کریمی

پَرِ سبز کوچک تنهایی گوشه ای نشسته بود. حوصله اش سر رفته بود. باد آمد. پَرِ همراه باد به هوا پرید. چرخید و چرخید. آمد پایین. افتاد روی دماغ گربه. گربه عطسه ی بلندی کرد. دماغش را خاراند و گفت: «این دیگه چیه؟»
پَر دوباره همراه باد به هوا پرید. چرخید و چرخید. آمد پایین. افتاد روی چشم مرغه. مرغه گفت: «قد قد قدا، یکهو شب شد چرا!» و سرش را تکان تکان داد.

پَرِ سبز کوچک این بار هم همراه باد به هوا پرید. چرخید و چرخید. آمد پایین. افتاد روی یک گل. شاپرکی روی گل نشسته بود. خیلی گرمش بود. پَرِ را برداشت و گفت:
«چه بادبزن خوبی! چقدر گرم بود!»

